


بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



آیت اللہ سید محمد مہدی میر باقری



رزق‌های محرم (۳) - محبت
آیت الله سیدمحمد مهدی میرباقری

تعداد جلسات: ۶ گفتار

تاریخ جلسات: محرم سال ۱۳۹۵

مکان جلسات: حرم مطهر حضرت معصومه (علیها السلام)

تنظیم گفتارها از سایت: <https://mirbaqeri.ir>

گردآورنده: حجت الاسلام خواجه احسنی


صفحه آرایی: محمد فقیهی

فهرست اجمالی

- گفتار ۱: مقام محبین، آثار و نتایج محبت الهی (۱) ۹
- گفتار ۲: مقام محبین، آثار و نتایج محبت الهی (۲) ۱۷
- گفتار ۳: راه‌های رسیدن به محبت الهی / بلاء سیدالشهداء نزدیک‌ترین راه رسیدن به محبت الهی ۲۷
- گفتار ۴: راه‌های رسیدن به محبت الهی: دعا و محبت اولیاء ۳۵
- گفتار ۵: ظهور محبت امام در روابط مالی مومنین ۴۱
- گفتار ۶: سیر با بلای سیدالشهداء راه نزدیک وصول به مقام محبت ۴۷

فهرست تفصیلی


- گفتار ۱: مقام محبین، آثار و نتایج محبت الهی (۱) ۹
- وجود رزق‌هایی در عالم دنیا برای انسان ۱۳
- رزق‌های ویژه در بعضی ایام ۱۴
- محبت یکی از رزق‌های ویژه ماه محرم ۱۴
- طوع و معیت، آثار محبت به خدا و اولیای الهی ۱۵
- گفتار ۲: مقام محبین، آثار و نتایج محبت الهی (۲) ۱۷
- محبت، بالاترین مقام یک مخلوق ۲۱
- دسته ی اول: قوما عبدوا الله رغبه ۲۱
- دسته ی دوم: قوما عبدوا الله رهبه ۲۲
- دسته ی سوم: قوما عبدوا الله حبا ۲۲
- الحب فی الله یکی از نتایج رسیدن به مقام محبت الهی ۲۴
- گفتار ۳: راه‌های رسیدن به محبت الهی / بلاء سیدالشهداء نزدیک‌ترین راه رسیدن به محبت الهی ۲۷
- تولی و تبری اصلی‌ترین نتیجه محبت الهی ۳۱
- تداوم حمد الهی یکی از راه‌های رسیدن به مقام محبت ۳۲
- حضرت ابراهیم‌الکوی محبت الهی ۳۲
- بلا ی سید الشهداء نزدیک‌ترین راه محبت الهی ۳۳

- 
- گفتار ۴: راههای رسیدن به محبت الهی: دعا و محبت اولیاء ۳۵
- دعا یکی از نزدیک ترین راههای محبت الهی ۳۷
- یگانگی محبت به امام و محبت به خدا ۳۸
- امام، صراط مستقیم الهی ۳۹
- گفتار ۵: ظهور محبت امام در روابط مالی مومنین ۴۱
- ارتباط مالی بین مومنین ۴۴
- مناسک داد و ستد با خدا ۴۵
- گفتار ۶: سیر با بالای سیدالشهداء راه نزدیک وصول به مقام محبت ۴۷
- محبت، رزق نهائی ۴۹
- آثار محبت اهل بیت ۵۰

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ
اللّٰهُمَّ صَلِّ وَسَلِّمْ وَبَارِكْ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَعَلَىٰ آلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ



مقام محبین، آثار و نتائج محبت الہی (۱)



در این سخنرانی ابتدا استاد میرباقری با اشاره به آیات سوره آل عمران می فرمایند در عالم دنیا دعوت های و رزقهایی برای انسان وجود دارد و انسان باید به گونه ای خویش را تربیت کند که آمادگی دریافت و اجابت این دعوت ها را داشته باشد. سپس با اشاره به صلوات وارده بعد از زیارت آل یاسین، میگویند خداوند متناسب با هرکدام از قوای متعدده ی ما رزقهایی آماده کرده اند و ما باید سعی کنیم این رزقها را دریافت کنیم و این رزقها در بعضی از ایام به صورت ویژه به مومنین می رسد که یکی از این ایام محرم است.

در قسمت بعدی، با توجه به روایت وارده از امام رضا در کتاب امالی شیخ صدوق مشخص می شود ماه محرم یکی از ایام ویژه در سال است که سفره ی بعضی رزقها پهن است. در باب رزق بکاء در سال پیش صحبت شد و این سخنرانی فتح بابی برای

یکی دیگر از رزقهای مخصوص ماه
محرم یعنی رزق محبت است.

در ذیل بحث محبت، با نگاهی به
سوره توبه که در آن صف بندی بین
کفار و منافقین و مومنین آشکار و
علنی می شود، با تمرکز روی آیه ی
۲۴ این سوره، محبت به عنوان یکی از
اصلی ترین وجوه تمایز این سه جبهه
معرفی می شود. سیر در وادی محبت
به گونه ای است که انسان ابتدا محب
خداوند و اولیای او می شود و سپس
به خلوص در محبت می رسد تا جایی
که تدریجا به این مقام الحب لله و
البغض لله می رسد و همه محبتش
می شود برای خدا و سپس این
محبت از قلب انسان منتشر به اعضا و
جوارح شده و همه اعضای انسان وارد
وادی محبت میشود و همه اعمالش
می شود اعمال محبین و به احسن
النیات و احسن الاعمال می رسد.
در پایان نیز استاد با اشاره به شان
نزول آیه ۶۹ سوره نساء و روایتی نقل
شده از مرحوم طبرسی در تفسیر
مجمع البیان به یکی از آثار محبت که
مقام معیت است می پردازند.



وجود رزق‌هایی در عالم دنیا برای انسان

خدای متعال در فرصت دنیا فرصت‌های اختصاصی برای ما فراهم میکنند که میتواند در آن تصمیم‌های بزرگ گرفت که خیلی بزرگان تصمیمات را در آن گرفتند. زیارت رجبیه در اولش آمده است که لیبیک داعی الله که گویا حضرت یک دعوت کننده از طرف خدای متعال هستند که ما را دعوت میکنند و ما اجابت میکنیم. در عالم دعوتهایی است که انبیا و اولیا آمده اند و در ایام خاص دعوتهای خاص است که مثلاً در ماه رجب منادی از آسمان هفتم دعوت میکند. در دنیای پر سر و صدای کنونی ما باید به گونه ای تربیت شویم که این نداها را بشنویم. آمده است که انسان وقتی از خواب برمیخیزد به ستاره‌ها نگاه کند و این آیه‌های سوره آل عمران را بخواند: *إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ لَآيَاتٍ لِّأُولِي الْأَلْبَابِ*. این اولو الالباب را توضیح می‌دهد که کسانی هستند که خوابشان هم مقام ذکر است. کسانی هستند که می‌گویند *رَبَّنَا إِنَّا سَمِعْنَا مُنَادِيًا يُنَادِي لِلْإِيمَانِ أَنْ آمِنُوا بِرَبِّكُمْ فَآمَنَّا رَبَّنَا فَاغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَكَفِّرْ عَنَّا سَيِّئَاتِنَا وَتَوَقَّنَا مَعَ الْأَبْرَارِ* ما آن ندا را شنیدیم و اجابت کردیم و ۴ توقع از خدا میکنند. گناهان ما را ببخش بدی‌های ما را ببوشان و ما را با ابرار بمیران.

ما انسانها نیازهای فراوان و قوای فراوانی داریم و از طرفی رزق‌های فراوانی هم هست. برای هر کدام از قوای ما خداوند رزق‌هایی معین کرده است که ما باید سعی کنیم که این رزق‌ها را دریافت کنیم. خیلی وقتها رزق‌ها از عالم بالا میاید و ظرف ما نمی‌تواند آن رزق را دریافت کند. در مقدمه کتاب معراج السعاده آمده است که خیلی از انسانها خودشان را در حد غریب اولیه می‌شناسند در حالی که انسان دارای قوای فراوان است و برای هر کدام از این قواها رزق‌هایی معین شده. زیارت آل یاسین زیارت ویژه ای است که امام رضا گفتند اگر میخواهید به ما متوجه شوید با این زیارت متوجه شوید. بعد از این زیارت صلواتی هست که گویا جزئی از زیارت هم هست و باید خوانده شود. در ابتدای این

صلوات اللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَسْئَلُكَ اَنْ تُصَلِّيَ عَلٰى مُحَمَّدٍ نَبِيِّ رَحْمَتِكَ وَكَلِمَةِ نُوْرِكَ وَاَنْ تَمْلَاَ قَلْبِيْ نُوْرَ الْيَقِيْنِ وَصَدْرِيْ نُوْرَ الْاِيْمَانِ وَفِكْرِيْ نُوْرَ النَّبِيَّاتِ وَعَزْمِيْ نُوْرَ الْعِلْمِ وَقُوَّتِيْ نُوْرَ الْعَمَلِ وِلِسَانِيْ نُوْرَ الصِّدْقِ وَدِيْنِيْ نُوْرَ الْبَصَائِرِ مِنْ عِنْدِكَ وَبَصِرِيْ نُوْرَ الصِّيَّاءِ وَسَمْعِيْ نُوْرَ الْحِكْمَةِ وَمَوَدَّتِيْ نُوْرَ الْمُوَالَاةِ لِمُحَمَّدٍ وَاٰلِهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ. ببینید همه قوای ما در این عالم رزق دارند که اگر در پرتو کلمه نور الهی یا همان نبی اکرم (و کَلِمَةِ نُوْرِكَ) قرار گرفتیم همه قوای ما نورانی میشود.

رزقهای ویژه در بعضی ایام

خدای متعال برای قلب و گوش و چشم ما سفره ای پهن کرده است که بعضی از این سفره ها سفره ای خاص هستند مثل ماه رجب و شعبان و رمضان. یکی از این سفره ها ماه محرم است. یک رزقهای در ماه محرم تقسیم می شود که در ایام دیگر نیست و یک دعوت خاصی در ماه محرم است و هرسال که محرم تکرار میشود گویا دعوت امام حسین تکرار میشود و لذاست که اوضاع عالم دگرگون می شود. روایت را در امالی از وجود امام رضا نقل شده که: ان المحرم شهر کان اهل الجاهلیة یحرمون فیه القتال فاستحلّت فیه دماؤنا وهتکت فیه حرمتنا وسیت فیه ذرارینا ونسائنا واضرمت فیه النار فی مضاربنا وانتهب مافیها من ثقلنا ولم تُرْع لرسول الله صلّی الله علیه واله وسلم حرمة فی امرنا ان یوم الامام الحسین علیه السلام اقرح جفوننا واسبل دموعنا واذلّ عزیزنا فعلی مثل الامام الحسین علیه السلام فیک الباکون فان الباک علیه یحط الذنوب العظام.

ماه محرم ماهی است در دوره جاهلیت هم جنگیدن حرام بوده است. در این ماه خون ما را حلال دانستند و در امر ما هیچ حرمتی برای نبی اکرم قائل نشدند. روز امام حسین پلکهای ما را مجروح کرده است و تا روز قیامت برای ما غصه و اندوه آورده است.

این روایت را برای ابن بخش خواندم. ثم قال علیه السلام کان ابی اذا دخل شهر المحرم لایری ضاحکاً وکانت الکابة تغلب علیه فاذا کان یوم العاشر کان ذلك الیوم مصیبتہ وبکائہ. در بحار نقل شده امام سجاد وقتی به مدینه برگشتند اول مدینه یک سخنرانی برای مردم داشتند که اگر جد ما سفارش میکرد ما را اذیت کنند بیش از آنچه انجام دادند امکان نداشت.

محبت یکی از رزقهای ویژه ماه محرم

در چند سال پیش چند مورد از رزقهای ماه محرم را گفتم. یکی از رزقها بکاء و اشک بود. یکی دیگر از رزقهای ویژه ی ماه محرم رزق محبت است. روایت در خصال صدوق میگویند از

قول نبی اکرم که: مَنْ رَزَقَهُ اللَّهُ حُبَّ الْأَيْمَةِ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي فَقَدْ أَصَابَ خَيْرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، فَلَا يَشْكُنُّ أَحَدٌ أَنَّهُ فِي الْجَنَّةِ. اگر کسی رزق محبت به ائمه ی اهل بیت من را خدای متعال به او روزی کند، به خیر دنیا و آخرت می رسد. وکسی تردید نکند که این چنین آدمی وسط بهشت است. علامت بهشتی بودن این محبت است و رزق بهشتی است. بعضی رزهای بهشتیان را خدا به جهنمیان هم میدهد. یکی از این رزقهای مخصوص اهل بهشت، محبت اولیای خدا و خداست. اگر کسی به مقام محبت رسید به تدریج به نقطه ای میرسد که اخلاص در محبت می رسد و در این مقام فقط خداوند متعال را دوست میدارد. اول انسان به مقام حب الهی می رسد و قدم بعد محبت اولیای خدا و تدریجا به این مقام می رسد که الحب لله و البغض لله. همه محبتش می شود برای خدا. می شود انسان در همین ایام کاری کند که وقتی این ایام تمام شود آثار محبین در او ظاهر شود.

اول نکته این است که ما حتما باید در مقام محبت برسیم و حداقلش این است که حب الهی در نسبت به بقیه ی حب های ما غلبه داشته باشد. خداوند در اول سوره توبه میگوید که صف بندی را با کفار رسمی کنید. این اعلام برائت و درگیری علنی هم مخصوص زمان نبی اکرم نیست و در طول تاریخ می شود. با اعلام این درگیری سه صف ایجاد می شود. صف مومنین صف مشرکین و صف منافقین. در این سوره خصوصیات این سه دسته توضیح داده شده است. نکات و تذکراتی در این سوره است که انسان را تربیت میکند برای همراهی حضرت یکی از این نکات که خیلی هم خدا سفت و سخت بیان میکند.

قُلْ إِنْ كَانَ آبَاؤُكُمْ وَأَبْنَاؤُكُمْ وَإِخْوَانُكُمْ وَأَزْوَاجُكُمْ وَعَشِيرَتُكُمْ وَأَمْوَالٌ اقْتَرَفْتُمُوهَا وَتِجَارَةٌ تَخْشَوْنَ كَسَادَهَا وَمَسَاكِنُ تَرْضَوْنَهَا أَحَبَّ إِلَيْكُمْ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَجِهَادٍ فِي سَبِيلِهِ فَتَرَبَّصُوا حَتَّى يَأْتِيَ اللَّهُ بِأَمْرِهِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ.

اگر همه اینها را از خدا و رسولش و جهاد در راهش بیشتر دوست دارید می گوید منتظر بمانید تا امر خدا در باره شما صادر شود و انتهای آیه را نیز مبهم گذاشته است. منتظر باشید تا امر خدا در مورد شما محقق شود. مرحوم فیض میگویند که قُلْ مَنْ يَتَخَلَّصْ عَنْهُ. خیلی خدای متعال در این آیه سخت گرفته است و کم اند کسانی که از این آیه جان سالم به در ببرند. اگر میخواهیم در این صف بندی در جبهه مومنین باشیم باید به جایی برسیم که خدا و رسول اکرم و جهاد در راه خدا را از همه بیشتر دوست بداریم.

طوع و معیت، آثار محبت به خدا و اولیای الهی

در تفسیر مجمع البیان، مرحوم طبرسی ذیل آیه ۶۹ سوره نساء روایتی را در شان نزول آیه نقل

میکنند که حضرت یک صحابه آزاد شده ای داشتند که خیلی به حضرت علاقه مند بود. حضرت روزی دیدند بیماری در چهره او ظاهر است و پرسیدند که آیا بیمار هستی؟ گفت که خیر، علت این حالت در من کثرت محبت شماست. من چند روزی است که به این فکر میکنم پس از قیامت اگر جهنمی باشم که الی الابد شما را نمی بینم و اگر بهشتی هم باشم مقام ما با شما تفاوت دارد. نمی توانیم در محضر شما باشیم و از زیارت شما محرومیم. این آیه نازل شد که اگر میخواهید از زیارت رسول خدا محروم نباشید آیه وَمَنْ يَطِعِ اللَّهَ وَالرَّسُولَ فَأُولَئِكَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ وَالصَّادِقِينَ وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ وَحَسُنَ أُولَئِكَ رَفِيقًا

وقتی این آیه نازل شد مرحوم طبرسی نقل کردند که: لَا يُؤْمِنَنَّ أَحَدٌ حَتَّىٰ أَكُونَ أَحَبُّ إِلَيْهِ مِنْ نَفْسِهِ وَآبُوهِ وَأَهْلِهِ وَوَلَدِهِ وَ النَّاسِ أَجْمَعِينَ.

پس ما باید برسیم به مقام محبت و اگر هم رسیدیم آثاری دارد که یکی از آنها همراهی و معیت است. در سفینه البحار ذیل ماده محبت محدث قمی میگویند که بادیه نشینی نزد حضرت آمد و گفت قیامت کی به پا میشود؟ حضرت نگفتند که قیامت کی است ولی گفتند تو برای قیامت چه کردی؟ جواب داد که من کثیر الصوم و الصلاه نیستم لکن شما را دوست دارم. حضرت فرمودنَ الْمَرْءُ مَعَ مَنْ أَحَبَّ. انسان در دنیا و برزخ و قیامت با کسی است که او را دوست می دارد.

انسان اگر به مقام محبت الهی رسید همیشه با اوست. اگر کسی به مقام محبت الهی و محبت اولیای خدا رسید دائم الحضور میشود. اگر به تدریج این محبت از قلب انسان منتشر به اعضا و جوارح شد همه اعضای انسان وارد وادی محبت میشود و همه اعمالش می شود اعمال محبین و به احسن النیات و احسن الاعمال می رسد. می شود جزء کسانی که المتحابون فی الله. همه دوستیها و داد و ستدهایش در راه خدا میشود.

از رزق های خصوصی ماه محرم مقام محبت است. اگر کسی جزئی محبین شد آرزو می کنند با همه وجود که در محضر سید الشهداء باشند. این عبارات سنگین در زیارت ناحیه مقدسه هم همین است. فَلَيْتُنَّ أَحَرَّتْنِي الدُّهُورُ، وَعَاقَنِي عَنْ نَصْرِكَ الْمَقْدُورُ، وَلَمْ أَكُنْ لِمَنْ حَارَبَكَ مُحَارِبًا وَلِمَنْ نَصَبَ لَكَ الْعَدَاوَةَ مُنَاصِبًا فَلَا نَدْبَتَكَ صَبَاحًا وَمَسَاءً. انسان اگر به مقام محبت رسید به جایی میرسد که آرزو میکند ای کاش آنجا بودم. حضرت امام رضا در حدیث ربان ابن شیبیب می گوید که هر موقع یاد سیدالشهدا کردی آرزو کن که یا لیتنی کنت معکم.

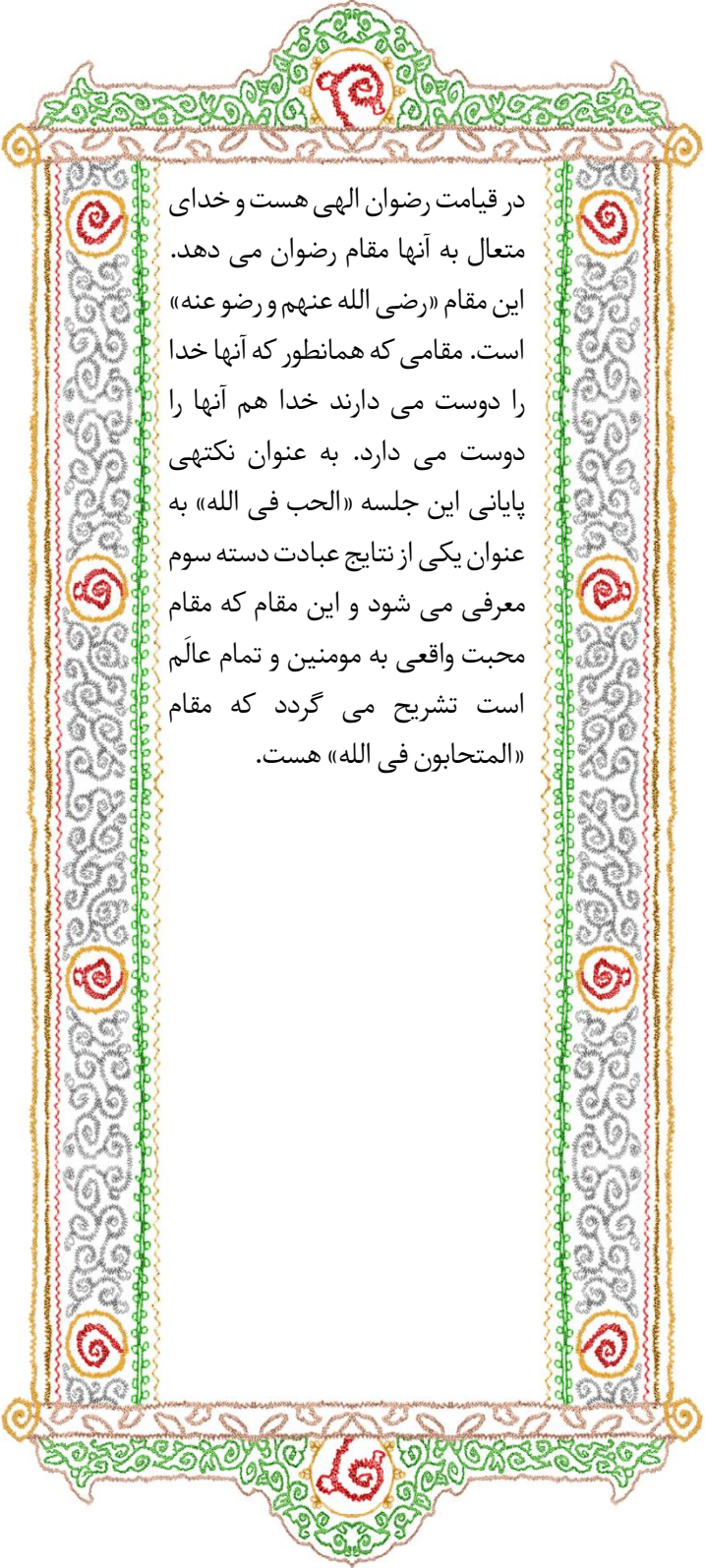
السلام عليك يا ابا عبد الله...

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
اللَّهُمَّ صَلِّ وَسَلِّمْ وَبَارِكْ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِهِ وَصَحْبِهِ أَجْمَعِينَ



مقام محبین، آثار و نتایج محبت الہی (۲)

در جلسه‌ی پیش بحث استاد
پیرامون رزقهای معنوی ماه محرم بود
که به رزق محبت الهی به عنوان یکی
از رزقهای خاص خدا برای اولیایش
اشاره شد. در این جلسه ابتدا با رجوع
به بیانات امیرالمومنین (ع)، مومنین
بر حسب نوع عبادتشان به سه دسته
تقسیم شده اند. **إِنَّ قَوْمًا عَبَدُوا اللَّهَ**
رَغْبَةً فَتِلْكَ عِبَادَةُ التُّجَّارِ، وَ إِنَّ قَوْمًا
عَبَدُوا اللَّهَ رَهْبَةً فَتِلْكَ عِبَادَةُ الْعَبِيدِ، وَ
إِنَّ قَوْمًا عَبَدُوا اللَّهَ شُكْرًا فَتِلْكَ عِبَادَةُ
الْأَحْرَارِ. سپس با بررسی تفصیلی
مقامات هر یک از این سه دسته
مشخص می شود که ذکر دو دسته‌ی
اول نیز مدح است نه مذمت. سپس
استاد به بررسی دسته سوم که عبدوا
الله شکرا یا حبا هستند می پردازد. به
عنوان یکی از اصلی ترین مقامات این
دسته محبت بودن و شیدایی آنها
مطرح می شود که همه‌ی زحمت را
می کشند و همه داشته هایشان را با
دست و دلبازی می دهند ولی باز در
ته قلبشان یک خوفی است و از اینکه
عملشان متناسب با محبوب نیست و
«قلوبهم و جله». جایگاه چنین افرادی



در قیامت رضوان الهی هست و خدای
متعال به آنها مقام رضوان می دهد.
این مقام «رضی الله عنهم ورضوعنه»
است. مقامی که همانطور که آنها خدا
را دوست می دارند خدا هم آنها را
دوست می دارد. به عنوان نکته‌ی
پایانی این جلسه «الحب فی الله» به
عنوان یکی از نتایج عبادت دسته سوم
معرفی می شود و این مقام که مقام
محبت واقعی به مومنین و تمام عالم
است تشریح می گردد که مقام
«المتحابون فی الله» هست.



محبت، بالاترین مقام یک مخلوق

من احبکم فقد احب الله. عرض کردیم یکی از رزقهای خاص خدا برای اولیایش رزق محبت الهی است. خدای متعال برای ما این امکان را قرار داده است که از تعلق غیر خدای متعال آزاد شویم. و از آن بالاتر به ما اجازه داده که محبت های دیگر به کلی از وجود ما خارج شود و ما مستغرق در محبت الهی شویم.

روایات اهل بیت ما را تشویق کرده که انسان خدای متعال را دوست بدارد و این محبت به اعضا و جوارحش منتشر بشود و فقط خدای متعال را دوست بدارد. مرحوم فیض در رساله اذکار القلوب بیان میکنند که بالاترین مقامی که برای مخلوق ممکن است همان مقام محبت الهی و خلوص در محبت است. باقی مقامات از فروع این مقام است. مثل مقام رضا. اینکه انسان راضی بشود به قضای الهی و تدبیر خدا از آثار محبت است.

اگر انسان به این مقام رسید همه اعمالش برای خدای متعال می شود و این همان احسن النیات است. در دعای مکارم الاخلاق حضرت میگویند اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ بَلِّغْ بِإِيمَانِي أَكْمَلَ الْإِيمَانِ، وَ اجْعَلْ يَقِينِي أَفْضَلَ الْيَقِينِ، وَ أَنْتَ بِنَيْتِي إِلَى أَحْسَنِ النَّيَّاتِ، وَ بِعَمَلِي إِلَى أَحْسَنِ الْأَعْمَالِ. در بیان معصوم آمده است که عباد الله سه دسته اند. عبدو الله رغبه، عبدوالله رهبه، عبدوالله حبا یا شکرا.

دسته ی اول: قوما عبدوا الله رغبه

عده ای خدا را به خاطر ثوابها عبادت می کنند. این ثواب الهی می تواند دینیایی و می تواند اخروی باشد. این عبادت عبادت خوبی است ولی عبادت تجار است ولی تجار موفق هستند. تاجر موفق کسی هست که با خدا تجارت میکند. فَاسْتَبَشِّرُوا بِبَيْعِكُمُ الَّذِي بَايَعْتُمْ بِهِ.

دسته‌ی دوم: قوما عبدوا الله رهبه

دسته‌ی ای دیگر عبدوالله رهبه. خدا را از روی خوف عبادت میکنند. این مذمت نیست و این هم مدح است. اینها هم بندگان خدایند منتهی عبید هستند و مثل بنده‌ها هستند. این روایات مذمت هم نیست و مدح است. در خود کتاب قرآن خدای متعال برای اعمال ما ثمراتی ذکر میکند. اگر قطع رحم کنید عمرتان کوتاه می‌شود. این روایات چرا این ثوابها و عقوبتها را ذکر میکند؟ اگر بنا بود بد باشد که ما برای بهشت و ثواب کار کنیم معنا نداشت که ما را ترغیب کنند به این کار. برای بهشت کار کردن کار بدی نیست و اتفاقاً خیلی مقام بالایی است که انسان از تجارت با بندگان خدا آزاد شود و به تجارت با خدا مشغول شود. از دنیا آزاد شود و مشغول آخرت شود. این انسان فهمیده است که همه چیز را خدا میدهد و مشرک نیست و عبد است. انسان از خدای متعال بترسد کم است؟؟ فَأَيُّيَ فَأَيُّهُونِ. انما يخشى الله من عباده العلماء. برای اینکه مبدا خدای متعال به او ضرری بزند می‌ترسد و گناه نمی‌کند. در بعضی روایات آمده است که بنده یک گناهی میکند و خدا میگوید دیگر پرونده ات بسته شد و دیگر خیری به تو نمی‌رسد. گفته اند گناهی که خشم خدا در آن نهفته است بین گناهان پنهان است لذا هیچ گناهی را دست کم نگیرید. کار نیکی هم که خوشنودی خدا در آن است بین کارهای نیک پنهان است فلذا هیچ کار نیکی را هم دست کم نگیرید.

بد است انسان از خداوند متعال بترسد و به خاطر عقوبتهای دنیایی و اخروی خداوند را عبادت کنیم؟ ما گاهی از برخورد در به هم می‌ترسیم. از حشرات می‌ترسیم. بد است از خدای متعال بترسیم؟ ولی این عبادت هم عبادت عالی نیست. مزد نمی‌خواهند ولی خائف هستند.

دسته‌ی سوم: قوما عبدوا الله حبا

بندگان از بهشت و جهنم هم عبور کرده اند. بهشت از جاهایی است که همه چیزش نورانی است و همه بنده اند و هیچ چیزش غفلت نیست. عده‌ای عبد ممتازند. بهشت و جهنمشان را می‌بینند و با هم عظمتش درک کرده است ولی خداوند را حبا یا شکر عبادت میکند.

کسی از امیرالمومنین سوال کرد از انبیای بنی اسرائیل داود است که به خاطر ترک اولایی که داشت وقتی مشغول عبادت می‌شد کوهها مسخر او بودند و با او تسبیح می‌گفتند. پیامبر شما چه دارد؟ حضرت فرمودند پیامبر ما ترک اولی هم ندارد ولی وقتی در محراب عبادت می‌ایستاد صدای جوشش قلبش مثل دیگ روی اجاق شنیده می‌شد.

قدمهای حضرت از عبادت ورم کرده بود. انقدر عبادت کرد که آیه آمد طه . مَا أَنْزَلْنَا عَلَيْكَ الْقُرْآنَ

لِئَشْفَى. به حضرت عرض کردند: شما که مأمون از هر عقوبتی هستید و درجات بهشت تان قطعی است. حضرت فرمود «أَفَلَا أَكُونُ عَبْدًا شَكُورًا» (۴) من بنده شاکر خدا نباشم؟!

اینکه انسان خالص شود و بتواند برای خدا کار بکند باید روزه ی قلب انسان به سوی محبت الهی باز شود و به تدریج این محبت به قلب مستولی شود و از قلب به اعضا منتشر شود. همه وجودش می شود وجود محبت و هرکاری بکند در وادی محبت است و هرکاری بکند عبادت است و افضل عبادت هم هست. فرمود خواب با یقین بهتر از عبادت با شک است. در اعمال شب عید قربان احیا آمده است و اعمال زیادی هم ندارد. که سید ابن طاووس نکته ای می گویند. می فرمایند اگر کسی در مقام بندگی خدا بود و خسته شد و خوابید که توانایی برای عبادت خدا پیدا کند این خواب هم احیا به حساب می آید. عده ای خداوند خوابشان را هم عبادت حساب کرده است. الذین یذکرون الله قیاما و قعودا.

قرآن می فرماید اولیای الهی اینگونه اند. همه ی زحمت را می کشند ولی ته قلبشان یک خوفی است و می گوید این عمل متناسب با خدا نیست. شیر روزند و راهب شب. مواظبند شبشان تلف نشود و روزشان تلف نشود اما قلوبهم وجله. چون می گویند این عمل متناسب با محبوب نیست. مقام محبین است که اللهم ان قلوب المحبتین الیک والهه. اگر کسی به امام رسید میشود محبت. اگر کسی وارد وادی ولایت امام شد نفسش می شود نفسی که این ۱۳ صفت را دارد. اللهم فاجعل نفسی مطمئنه بقدرک ...

محبتین واله و شیدا هستند. شیدا یعنی کسی که غرق در محبت است و همه چیزش را فدا می کند ولی در محبتش باز خودش را بدهکار میدانند. انسانی که همه چیزش را در راه محبوب می دهد با دست و دل بازی هم میدهد و در عین حال خودش را هم بدهکار میدانند. خداوند مزدهای بزرگی هم برای محبین در نظر گرفته است. یکی از آنها و رضوان من الله اکبر. همه مقام های بهشت خوبند ولی مقامی هست که از لحاظ بزرگی با اینها قابل مقایسه نیست و کبریای الهی در آنجا ظهور دارد. مرحوم علامه طباطبایی در تفسیرشان وقتی به اینجا می رسند می گویند این رضوان برای کسانی است که عبدو الله حبا. آنهاهی که برای بهشت کار نکردند در حالی که یقین به بهشت داشتند. خدای متعال به آنها مقام رضوان می دهد. مقامی که همانطور که آنها خدا را دوست می دارند خدا هم آنها را دوست می دارد. دو طرفه است. رضی الله عنهم و رضو عنه. آن وقت به جایی میرسند که محبت خدا به خودشان را می چشند و از این بالاتر لذتی در عالم نیست. نه در دنیا و نه در آخرت. حتی در

بهشت. لذا در روایت است که بهشتیان وقتی وارد بهشت می‌شوند سفره نعمت پهن می‌شود همه غرق در نعمت می‌شوند. آن وقت عده‌ای اولیای خدا هستند. اهل کرامت هستند و در درجات عالی بهشتند. خدای متعال به آنها مشرف می‌شود اولیائی اهل طاعتی. می‌خواهید درجه‌ای بالاتر از این به شما ارائه کنم؟ گویا انقدر برایشان غیر مترقبه است که سکوت میکنند. باز ندا از جانب خدا می‌آید. می‌گویند اگر بالاتر از این هم متصور هست ما طالبیم. اینجا پرده کنار می‌رود و وارد مقام رضوان میشوند. خدای متعال به آنها می‌گوید یک چیزی از همه بالاتر است. رضای عنکم و محبتی لکم. وقتی محبت خدا را می‌چشند می‌گویند حقیقتاً این طور است.

الحب فی الله یکی از نتایج رسیدن به مقام محبت الهی

وقتی انسان به اینجا رسید نتایجی دارد. یکی اینکه دیگر محبتش نفسانی و ظلمانی نیست و الحب فی الله است. دوست می‌دارد در راه خدا، لذا هرچه بیشتر دوست می‌دارد به خدا نزدیک تر میشود. مومنین که به مقام محبت الهی می‌رسند اینگونه نیست که محبت به دیگران ندارند. اتفاقاً محبت حقیقی را اینها دارند. انسان تا حب نفس دارد که محبت ندارد. همه اش حب نفس است. انسان چون خودش را دوست دارد به رفیقش محبت می‌کند. کسانی که اهل نفس هستند و از وادی نفس عبور نکرده‌اند حقیقتاً همه محبت‌هایشان برای خودشان است. شیطان همینجوری هست و همه چیز را برای خودش می‌خواهد.

لذا این آدمها می‌شوند المتحابون فی الله. همه چیز را دوست دارند در راه خدا. همسر به همسر، فرزند به والدین، رفیق به رفیق همه همینجوری هستند. آن وقت روایات عجیبی در مورد اینها هست. فرمود وقتی اینها وارد قیامت می‌شوند نور اینها همه قیامت را روشن می‌کند. در قیامت و آن موافق سخت از عرش ندا می‌رسد که این متحابون فی الله. یعنی کسانی که محبت خدا بر آنها غالب شده بود و به همدیگر هم به خاطر محبت خدا محبت می‌کردند. این مقامی بالاتر است. کسی ممکن است خدا را دوست می‌دارد ولی هنوز به مقامی نرسیده است که محبت به خدا تبدیل به محبت به بندگان شود. اما کسی مال برای مومنین خرج می‌کند آبرو خرج می‌کند. دلش برای مومنین تنگ می‌شود به خاطر محبت به خدا. فرمود اگر اینگونه شد می‌شود زیارت خدا. دلتان برای یک مومن تنگ شد چون مومن است و بدون طمع رفتید به زیارتش، زیارت خدا به حساب می‌آید. به این متحابون فی الله می‌گویند بدون حساب و کتاب بروید داخل بهشت. المتحابون فی الله یعنی برای

خدا به هم محبت می کنیم و برای خدا با دشمنان خدا دشمنی میکنیم.
پس بنابراین محبت الهی باید غالب بشود در وجود انسان و این تبدیل بشود به محبت بین مومنین. المتحابین فی الله. باید همدیگر را در راه خدا دوست بداریم و در راه خدا برای هم فداکاری بکنیم. ایثار بکنیم. نقطه مقابلش هم هست. باید بغض فی الله هم بکنیم. در راه خدا با دشمنان خدا دشمنی کنیم. اینها در عاشورای امام حسین است. انسان با عاشورای امام حسین به حب فی الله و بغض فی الله می رسد. یکی از مقامات سلوکی زیارت عاشورا هم همین است. انی سلم لمن سالمکم و حرب لمن حاربکم. این از آثار عاشورا است و اگر کسی می خواهد به این مقام برسد راهش عاشورا است و از رزقهای این ایام است. سر سفره امام حسین یکی از رزقهای خیلی عجیبی که تقسیم می کند رزق محبت به خداست. این از رزقهای ماه محرم است. آغازش هم از اشک ریختن بر امام حسین است و گفتند اگر اهل بکائی هم نیستید تباکی کنید و به زور از خود اشک بگیرید.
السلام علیک یا ابا عبدالله...

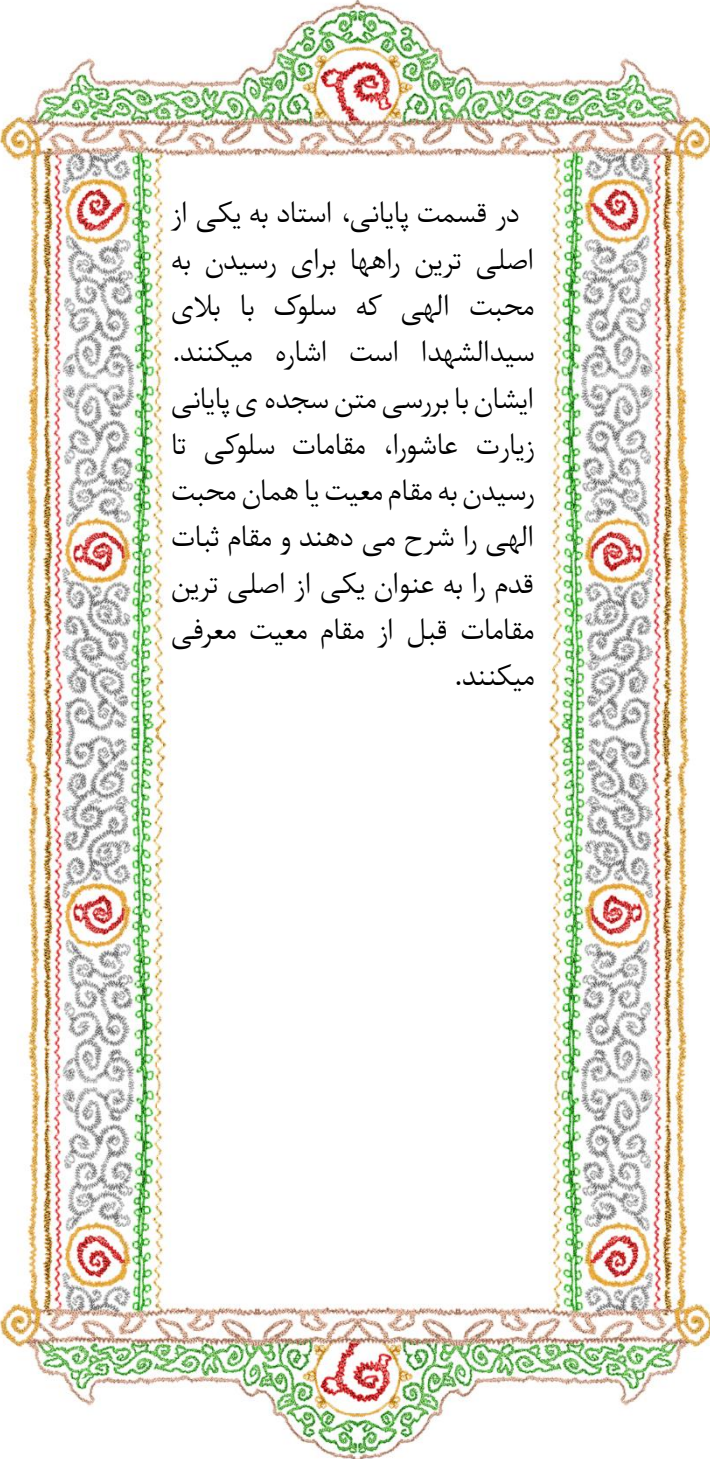
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



راه‌های رسیدن به محبت الهی / بلا
سیدالشهداء نزدیک‌ترین راه رسیدن
به محبت الهی

در جلسه قبل به این نکته اشاره شد که یکی از آثار محبت الهی برای محبین و کسانی که خدا را به خاطر محبت عبادت میکنند مقام المتحابون لله است. استاد در ابتدای این جلسه با اشاره به حدیث نورانی از امام باقر که می فرماید المرء مع من احب و همچنین حدیثی از پیامبر اسلام که در کتاب کافی آمده است به تفصیل بیشتر مقام المتحابون فی الله می پردازند.

در قسمت دوم سخنرانی مباحث استاد حول این پرسش می چرخد که چگونه می توان به مقام محبت الهی رسید؟ اولین مسیر که به آن اشاره می کنند تداوم در حمد نعمتهای الهی است. مسیر دوم الگوگیری از حضرت ابراهیم خلیل است که در این سخنرانی به دو ویژگی از این پیامبر اشاره می شود. اول اینکه انسان چیزی از دست غیر خدا نگیرد و به مقام بسم الله برسد و دوم اینکه دستی که به سمت انسان دراز شد را رد نکند.



در قسمت پایانی، استاد به یکی از اصلی ترین راهها برای رسیدن به محبت الهی که سلوک با بلای سیدالشهدا است اشاره میکنند. ایشان با بررسی متن سجده ی پایانی زیارت عاشورا، مقامات سلوکی تا رسیدن به مقام معیت یا همان محبت الهی را شرح می دهند و مقام ثبات قدم را به عنوان یکی از اصلی ترین مقامات قبل از مقام معیت معرفی میکنند.



تولی و تبری اصلی ترین نتیجه محبت الهی

من احبکم فقد احب الله. یکی از مراحل سیری که خدا برای انسان قرار داده مقام محبت خدای متعال است. اگر محبت الهی در قلب انسان ظهور کرد به تدریج از قلب انسان به سایر جوارح منتشر می شود و چنین انسانی می شود جزء بندگانی که ان قوما عبدوا لله شکرا. این انسانها به مرتبه عین الیقین می رسند و گویا بهشت و جهنم را در این دنیا می بینند ولی برای اینها کار نمی کنند و برای صاحب بهشت و جهنم کار می کنند. اینها در مقامی هستند که لا خوف علیهم و لا هم یحزنون.

یکی از نتایج مقام محبت الهی، الحب فی الله و البغض فی الله است که این جزو درجات بسیار عالیست. مقامی که انسان جزو المتحابون فی الله می شود. به نوعی محبت به همدیگر می رسند که در آن نفس نیست و برای خداست.

امام باقر می فرمایند: إِذَا أَرَدْتَ أَنْ تَعْلَمَ أَنَّ فَيْكَ خَيْرًا، فَانظُرْ إِلَى قَلْبِكَ فَإِنْ كَانَ يُحِبُّ أَهْلَ طَاعِهِ اللَّهُ وَ يُبْغِضُ أَهْلَ مَعْصِيَتِهِ فَفَيْكَ خَيْرٌ؛ وَاللَّهُ يُحِبُّكَ، وَ إِذَا كَانَ يُبْغِضُ أَهْلَ طَاعِهِ اللَّهُ وَ يُحِبُّ أَهْلَ مَعْصِيَتِهِ فَلَيْسَ فَيْكَ خَيْرٌ؛ وَاللَّهُ يُبْغِضُكَ، وَالْمَرْءُ مَعَ مَنْ أَحَبَّ

اگر دلت اهل طاعت را دوست دارد به خاطر اینکه اهل عبادت هستند بدان در تو خیری است و خدا تو را دوست دارد. اما اگر دیدی از اهل معصیت خوشتر می آید بدان هیچ خیری در تو نیست و خدا تو را دشمن می دارد.

وَالْمَرْءُ مَعَ مَنْ أَحَبَّ. در کتاب ایمان و کفر کافی بابی هست که نبی اکرم از اصحاب سوال کردند: أَيْ عَرَى الْإِيمَانِ أَوْثَقُ؟ کدام رشته های ایمان محکمتر است و به آن اطمینان بیشتر است؟ حضرت فرمودند الحب فی الله و البغض فی الله و توالی اولیاء الله و التبری من اعداء الله. انسان هرچه دوست دارد برای خدا دوست بدارد و هرچه دشمن می دارد برای خدا باشد. دشمنی با دشمنان خدا و دوستی با دوستان خدا محکمترین رشته ایمان است.

تداوم حمد الهی یکی از راههای رسیدن به مقام محبت

حالا چگونه می‌توان به مقام محبین رسید؟ یکی از راهها که راه همواری است این است که انسان نعمتهای خدا بر خودش را یاد کند و خدا به خاطر آنها حمد کند. و برای شکر همین الحمد لله هم کافی است. اگر کسی همین رشته را ادامه دهد و خدا را به خاطر نعمتهایش شکر کند به مقام محبت می‌رسد. حتی خدا را به خاطر نعمتهایی که به دیگران داده است شکر کند. یکی از راههایی که حسد از دل انسان بیرون بشود همین است که نعمتهای بقیه را که انسان می‌بیند حمد خدا بگوید. اگر انسان این حمد را ادامه دهد کم کم جمال صنع خدا را به او نشان می‌دهند و غرق در جمال خدا می‌شود. مشغوله عن الدنيا بحمدک و ثنائک. البته این مداومت می‌خواهد. شکر و حمد الهی اگر کثرت پیدا کرد انسان به مقام محبت نزدیک می‌شود.

حضرت ابراهیم الکوی محبت الهی

حضرت ابراهیم خلیل الله غرق در محبت خدا است. ویژگی‌هایی در ایشان هست که انسان را وارد وادی محبت می‌کند. اولین ویژگی این است که از دست غیر خدا چیزی نگیرد. انسانی که بر هر دامنی سر بگذارد وابسته می‌شود. این به معنای این نیست که از اسباب استفاده نکند ولی چنین فردی در مقام بسم الله است و نیاز و فقر دارد و نیازهای خودش را از دست غیر خدا نمی‌گیرد. اگر کسی از دست غیر خدای متعال نگرفت وابسته به غیر خدا هم نمی‌شود. حتی اعظم وسائط که معصومین هستند هم ما آنها را واسطه می‌دانیم و آنها عبد هستند. اگر انسان امام را رحمت موصوله و معدن رحمت الله دانست هم محبت معصومین در قلبش می‌آید و هم محبت خدای متعال. دومین ویژگی حضرت ابراهیم این است که هر حاجتی کسی ازش خواست اجابت کردند و دست احدی را رد نکردند. دستهایی که به سمت ما دراز می‌شود و ما باید برای آن دستها مال و آبرو و عمر و وقت و... خرج کنیم حواله‌های خدای متعال هستند. خدای متعال امکاناتی که می‌دهد حوالتهایی هم می‌فرستد که بلافاصله آن را خرج کنید. چون اگر خرج نکردید ضایع می‌شود و خود انسان را هم ضایع می‌کند. ما عندکم ینفد. کسی که در راه خدا اتفاق می‌کند خودش رشد میکند. اگر انسان حوالتهای خدا را تحویل گرفت نتیجه اش این است که خدا محبت خودش یا به تعبیر دیگر خودش را به او می‌دهد. اعلمو ان حوائج الناس من نعم الله علیکم فلا تملوا النعم. به همین دلیل سیدالشهدا در اوج محبت است.

یکی دیگر از راههای رسیدن به محبت الهی نشست و برخاست با محبین است. کسی که در

بازار عطر فروشها برود بوی عطر می گیرد.

بلای سید الشهداء نزدیک ترین راه محبت الهی

اما یکی از نزدیک ترین راهها به محبت الهی راه عاشورا است. بلای حضرت ظاهرش بلاست و باطنش محبت خدا. اگر انسان بلا را چشید و صابر و شاکر بود به محبت خدا می رسد. در بین همه ابتلائات، عاشورا آن بلای عظیمی است که نقطه جوشش محبت خدا نسبت به اولیا و خوبان است. همه اولیای الهی وقتی در وادی محبت کم می آوردند می رفتند در گودی قتلگاه. اگر کسی وارد بلای سیدالشهدا شد و مبتلا شد و سوخت در بلای حضرت و یحزنون لحزنتا درهای محبت الهی به رویش باز می شود. حضرت به مِسْمَعِ کَرْدین که به زیارت سید الشهداء نمی توانست برود فرمودند: یاد جدم میکنی؟ فرمود بلی یاد میکنم به نحوی که گاهی از خواب و خوراک میفتمم و همه اهل خانه می فهمند که حالم عادی نیست. حضرت فرمود: تو از آنهایی هستی که با شادی ما شادند و با غصه ما غصه دارند. آدمی که اینگونه شد درهای محبت الهی به رویش باز می شود.

یکی از نزدیک ترین راهها برای رسیدن به محبت، وارد وادی عاشورا شدن است. اگر کسی وارد وادی عاشورا و سفینه نجات حضرت شد و بیرون هم نیامد، مانند خود حضرت که به ایشان میگوئیم السلام علی ساکن کربلا به بالاترین درجه محبت الهی می رسد. اگر کسی وارد وادی بلا شد و غرق در مصیبت سیدالشهدا شد اوج سلوکش در سجده زیارت عاشورا است «اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ حَمْدَ الشَّاكِرِينَ لَكَ عَلَى مُصَابِهِمْ». اگر اینگونه جزو شاکرین شد اوج سلوک با سید الشهداء است که مقام معیت است. مقام معیت هم همان مقام محبت است. المرء مع من احب.

انسان اگر وارد به وادی مصیبت سیدالشهدا شد خواب از چشمانش می رود و خوشی های دنیا از او گرفته می شود و به جایی می رسد که لَأَنْدُبَنَّكَ صَبَاحاً وَ مَسَاءً ولی باز هم خدا را شکر کرد به مقام ثبات قدم می رسد. وَ تَبَّتْ لِي قَدَمٌ صِدْقٍ عِنْدَكَ مَعَ الْحُسَيْنِ وَ أَصْحَابِ الْحُسَيْنِ الَّذِينَ بَدَّلُوا مَهَجَهُمْ دُونَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ به من مقام ثبات قدم بده. اصحاب امام حسین مزدشان محبت امام حسین بود. المرء مع من احب اگر کسی به وادی به کربلا رسید و سیر کرد با بلای سید الشهداء مزدش مقام محبت سید الشهداء است. اهل بیت و اصحاب وارد وادی بلای سیدالشهدا شدند و حاضر نشدند با هیچ عذری خود را کنار بکشند و تا آخرین لحظه در بلای سید الشهداء ماندند. آنهایی که آمدند در وادی بلای سید الشهداء و تا آخر ماندند شدند جزء محبین. یک جمله که بوی گلابی از

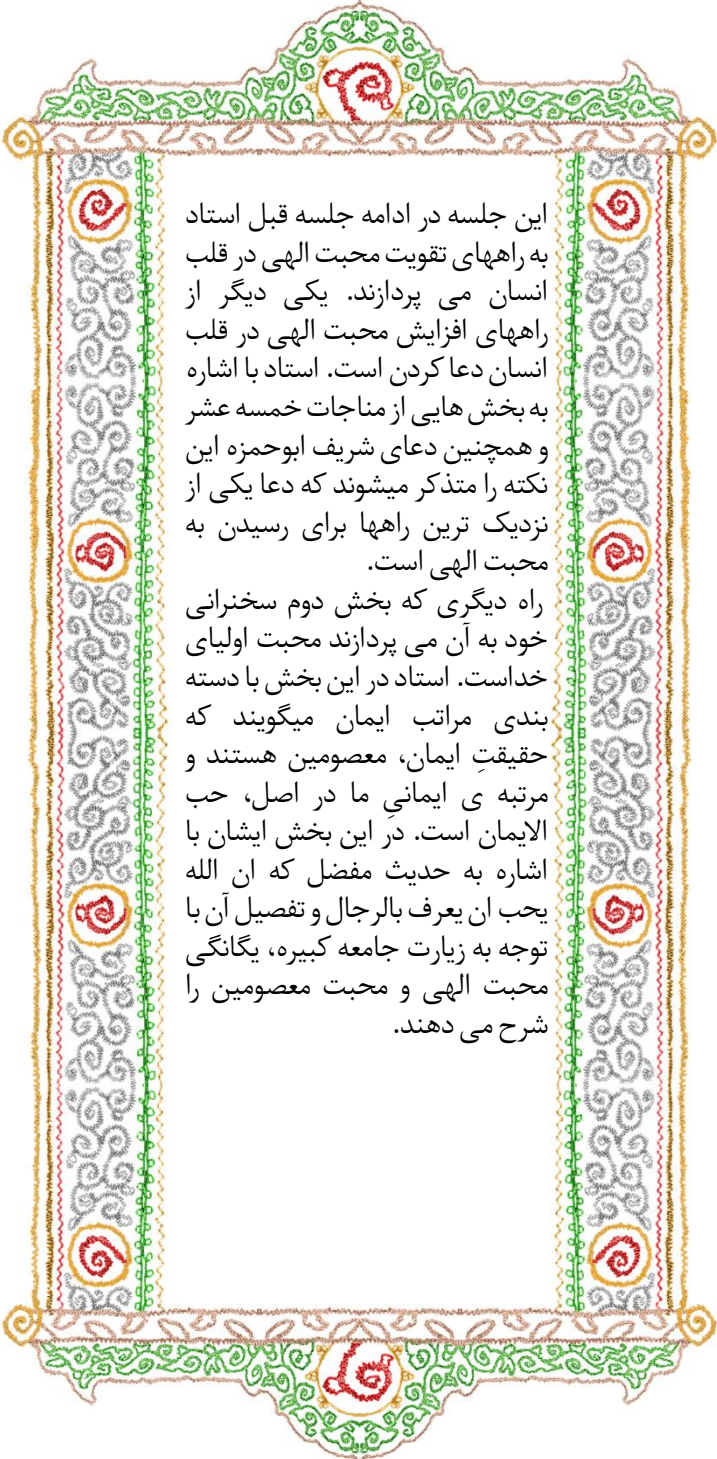
۳۴ || رزق‌های محرم ۳ - محبت

امام حسین بدهد از دهن یک طفل هم بیرون نیامد. یک آه نا به جا اهل بیت نگفتند و یک گله نکردند. در لهوف آمده که صورتهای اهل بیت پوست انداخته بود در خرابه شام. نه شبها از سرما محفوظ بودند و نه روزها از گرما ولی باز گله نکردند.
صلی الله علیک یا ابا عبدالله...

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



راههای رسیدن به محبت الهی: دعا و
محبت اولیاء



این جلسه در ادامه جلسه قبل استاد به راههای تقویت محبت الهی در قلب انسان می پردازند. یکی دیگر از راههای افزایش محبت الهی در قلب انسان دعا کردن است. استاد با اشاره به بخش هایی از مناجات خمسه عشر و همچنین دعای شریف ابوحمزه این نکته را متذکر میشوند که دعا یکی از نزدیک ترین راهها برای رسیدن به محبت الهی است.

راه دیگری که بخش دوم سخنرانی خود به آن می پردازند محبت اولیای خداست. استاد در این بخش با دسته بندی مراتب ایمان میگویند که حقیقتِ ایمان، معصومین هستند و مرتبه ی ایمانی ما در اصل، حب الایمان است. در این بخش ایشان با اشاره به حدیث مفضل که ان الله یحب ان یعرف بالرجال و تفصیل آن با توجه به زیارت جامعه کبیره، یگانگی محبت الهی و محبت معصومین را شرح می دهند.



خلاصه جلسه قبل

من احبکم فقد احب الله. در جلسات قبل اشاره شد که خداوند به ما ظرفیت رسیدن به مقام اخلاص در محبت را داده است. ما مفضلون به محبت خدای متعال هستیم منتها در این دنیا انسان اختیار دارد که از آن مسیر روگردان شود و مبتلا به شرک و غفلت شود. ولی اگر استقامت در مسیر بکند در همین دنیا می تواند به مقام اخلاص در محبت الهی برسد. اگر کسی به این مقام رسید این ایمان و محبت الهی بر همه اعضای او منتشر می شود و همه اعمال او بوی محبت الهی میگیرد. همه اعمال مومن صبغه محبت دارد.

کسی که به محبت الهی رسید دیگران را برای خدا دوست دارد و می شود جزء المتحابون فی الله. حال چگونه میتوان به این مقام رسید؟ راههایی عرض شد. یکی حمد نعمات خدای متعال بود. دیگری اینکه انسان چیزی از دست غیر نگیرد. مورد بعدی اینکه انسان حوائجی که به سوییش می رسد را اجابت کند و انفاق کند در راه خدا.

دعا یکی از نزدیک ترین راههای محبت الهی

یکی از راههای دیگری که برای رسیدن به محبت الهی به ما تعلیم کرده اند مسیر دعا و درخواست است. یکی از بهترین راهها برای نجات از اخلاق رذیله و رسیدن به اخلاق حمیده دعا کردن است. نفس دعا کردن و نفس اظهار عجز در درگاه خدا کردن موجب تقویت محبت الهی در دل انسان می شود. انسان خدا را غنی ببیند و کریم ببیند و حوائج خودش را از او بخواهد سبب ایجاد محبت الهی می شود. ولی به خصوص در دعاها به ما تعلیم کرده اند که چگونه محبت خدا را از او بخواهیم. در بعضی از مناجات اصلا مناجات المحبین است. در مناجات خمسہ عشر است که اللهم انی اسئلك حبک و حب من یحبک و حب من یوصلنی الی قریبک. در دعای ابوحمزه هم مکرر آمده

است که ما از خداوند در خواست محبتش می‌کنیم. اللهم املا قلبی حبا لک و خشیه منک... انسان هرچه محبتش به خدا بیشتر شود خشیت بیشتری پیدا میکند. اگر کسی به مقام محبت رسید ادامه محبت مقام فرق است. ترس جدایی پیدا میکند. محبت اشتیاق به قرب الهی دارند و اشتیاق به قرب الهی آنها را مشتاق به رفتن از دنیا میکند و انسان تا اینگونه نشود مسئله مرگ برایش حل نمی‌شود. انسان اگر خدا را دوست بدارد مشتاق رفتن از دنیا و دیدار محبوب می‌شود.

از این دست دعاها زیاد داریم. در نامه به امام مجتبی امیرالمومنین می‌فرمایند گنجها در اختیار خداست و کلیدش دست شماست. کلیدش هم دعاست. یکی از اموری که انسان را به کمال می‌رساند این است که اهل دعا باشد انسان خیلی وقتها راه دعا از راه ریاضت و زحمت کشیدن نزدیک تر است.

چون ما نیازهای فراوانی داریم و ظرفیت‌های فراوانی داریم و از طرفی خداوند هم نعمتهای بی‌پایانی دارد. لذا اگر انسانی با معصوم مانوس شد و با زبان آنها دعا کرد تدریجا پرده‌ها کنار می‌رود و هم ظرفیتهای خودش را می‌بیند و گنجینه‌های بی‌منتهای الهی را هم می‌فهمد.

در کافی شریف آمده ان المومن اذا تخی من الدنيا سما. تا دنیا قلب انسان را گرفته است انسان زمینگیر است. انسانی که محبتش زمینی است باید این محبت از دلش خارج شود تا شیرینی محبت خداوند را بچشد. تا انسان پر از دنیا است جایی برای محبت الهی در دل انسان نمی‌ماند.

یکانگی محبت به امام و محبت به خدا

راه دیگر این است که اگر کسی به حب امام رسید این محبت همان عین محبت خداست. این حدیث در کافی آمده است که به امام صادق سوال کرد که آیا حب و بغض هم جزو ایمان است؟ حضرت فرمودند هل الايمان الا الحب و البغض و بعد هم این آیه را خواندند حبب الیکم الايمان زین فی قلوبکم کره الیکم الکفر و الفسوق و العصیان. بعد حضرت در روایتی معنا کردند که حقیقت ایمان امیرالمومنین است و هرکس دیگری اگر مومن است ایمانش حب ایمان است. ما حب الايمان داریم. امیرالمومنین حقیقت ایمان هستند و ایمان ما یعنی حب الايمان. انسان اگر کلمه ی ایمان را دوست بدارد این حب همان حب الله است. من احبکم فقد احب الله. خدای متعال معصومین را باب خودش قرار داده است و اگر کسی بخواهد در وادی معرفت خدا شود باید از باب توحید وارد شود. اگر کسی می‌خواهد در وادی محبت الهی سیر کند باید در سبیل محبت الهی قدم بگذارد. این سبیل هم

همان معصوم است. در حدیث مفضل آمده است که ان الله یحب ان..... گاهی تعبیر لطیفی از ائمه نقل شده که ان الله خلتنا بنفسه. خدای متعال ما را با خودش یکی کرده است. طبعاً معنا این نیست که خداوند جسم است یا العیاذ بالله معصومین خدا هستند ولی باید درایت روایت داشت و سعی کرد پرده از روایت کنار زد و باطن کلام معصوم را انسان بفهمد. و جعلنا ولایتنا ولایتیه. امام در چه مقامی است که خدای متعال ولایت او را عین ولایت خودش قرار داده است.

این حدیث در تفسیر علی ابن ابراهیم ذیل آیه فطرت آمده است که این فطرت توحید است. در روایت دیگری این فطرت را تفصیل داده است. امام صادق تفصیل داده اند اشهد ان لا اله الا الله و اشهد ان محمداً رسول الله و اشهد ان علیاً ولی الله و سپس حضرت فرمودند الی ههنا التوحید.

امام، صراط مستقیم الهی

ان الله یحب ان یعرف بالرجال و اگر کسی می‌خواهد اطاعت خدا کند باید اطاعت امام کند. خداوند اراده کرده است که از طریق امام با محبت الهی آشنا شود. اصلاً دوئیته نیست و محبت امام همان محبت الهی است. من احبکم فقد احب الله. لذا این صراط مستقیمی که باید در آن حرکت کنیم در روایت به دو چیز معنا شده. یکی صراط معرفت و یکی صراط محبت. اگر کسی وارد وادی صراط مستقیم شد هر قدمی که بر میدارد هم معرفتش به خدا بیشتر می شود و هم محبتش. در حدیث معانی الاخبار حضرت فرمودند صراط مستقیم طریق معرفت است و هو الامام علیه السلام. اگر کسی در صراط مستقیم قرار گرفت هر قدمی که بر میدارد محبتش به خدا بیشتر می شود و رزقشان محبت است و همه کارهایشان محبت افزا می شود. سیر با امام سیر با محبت است و سیر با معرفت است. در تفسیر علی ابن ابراهیم آمده است که اگر دیدید کسی دچار شرک خفی شده است بدانید در ولایت ما شرک ورزیده است.

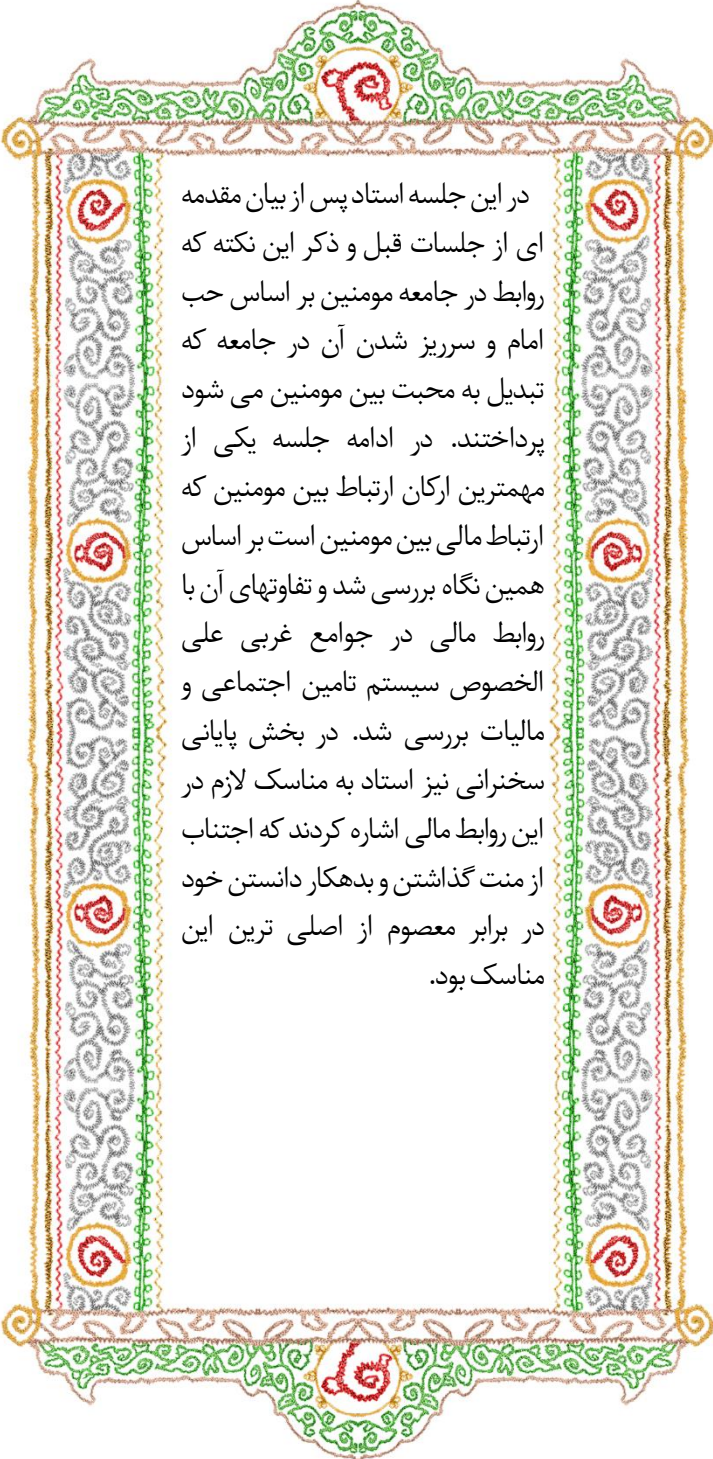
حال راه رسیدن به محبت امام چیست؟ انسان چه کند که حب الامام در وجودش بیاید؟ خداوند متعال و خلیفه اش همیشه با ما هستند، ما چه کنیم که با امام خودمان باشیم؟
اجمالش این است که ابراهیم خلیل به مقام خلت رسید چون زیاد به محمد و اهل بیتش صلوات فرستاد.

السلام علیک یا ابا عبدالله...

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



ظهور محبت امام در روابط مالی مومنین



در این جلسه استاد پس از بیان مقدمه ای از جلسات قبل و ذکر این نکته که روابط در جامعه مومنین بر اساس حب امام و سرریز شدن آن در جامعه که تبدیل به محبت بین مومنین می شود پرداختند. در ادامه جلسه یکی از مهمترین ارکان ارتباط بین مومنین که ارتباط مالی بین مومنین است بر اساس همین نگاه بررسی شد و تفاوت های آن با روابط مالی در جوامع غربی علی الخصوص سیستم تامین اجتماعی و مالیات بررسی شد. در بخش پایانی سخنرانی نیز استاد به مناسک لازم در این روابط مالی اشاره کردند که اجتناب از منت گذاشتن و بدهکار دانستن خود در برابر معصوم از اصلی ترین این مناسک بود.



خلاصه جلسات قبل

یکی از رزقهای خاصی که در این ایام بین دوستداران حضرت داده می شود مقام محبت الهی هست. ظرفیت رسیدن به مقام محبت الهی در ما هست و ما موظف به این هستیم که به اینجا برسیم. مقام محبت الهی همان مقام اخلاص حقیقی است. مخلصین حقیقی همانهایی هستند که پاداششان هم مقام رضوان الهی هست.

راههایی برای رسیدن به این محبت ذکر شد و آثاری هم برای این مقام ذکر شد. یکی از راههای رسیدن به محبت الهی و شاید راهی که بقیه راهها هم به آن ختم می شوند، محبت معصومین است که من احبکم فقد احب الله. اگر کسی به مقام محبت الهی و اولیای الهی رسید به مقامی می رسد که الحب لله و والبغض لله یا به عبارت دیگر المتحابون فی الله.

محبت به اولیای خدا تبدیل می شود به محبت بین مومنین. گاهی رشته ی محبت بین مومنین انقدر زیاد می شود که اگر مومنی آن طرف دنیا متاثر شود مومنی این طرف دنیا غصه دار می شود. در کتاب ایمان و کفر کافی روایت داریم که المومن اخ المومن من ایبه و امه ابوه نور و امه الرحمه. مومنین با هم برادر پدر مادری هستند نه برادران قراردادی. مومنین از یک رشته نور و در یک وادی رحمت رشد کردند. اگر رابطه بین مومنین بر اساس محبت الهی نباشد ارتباط نفسانی می شود و در این ارتباطات هرکسی نفع خودش را می خواهد و اگر محبتی هم میکند محبت نیست بلکه طمع است لذا در چنین جامعه ای همه دنبال منافع مادی خودشان هستند. ما باید به نقطه ای برسیم که امام خودمان و خدای خودمان را دوست بداریم و به خاطر این محبت برای مومنین فداکاری بکنیم.

ارتباط مالی بین مومنین

یکی از این ارتباطات بین مومنین که اشاره وار مطرح میکنم و بسط آن بماند برای بعد ارتباط مالی بین مومنین است. برای ارتباط مالی بین مومنین سه نوع فداکاری ذکر شده است. انفاق، مواسات و ایثار. انفاق یعنی در مال خودش حقوقی برای دیگران قائل است و آن را هم وظیفه خودش می‌داند. مواسات یعنی به جایی می‌رسد که خودش و دیگران را یکسان می‌داند. ایثار یعنی خودش گرسنه می‌ماند که بقیه سیر باشند. این دیگر شأن معصوم است. و یو ثرون علی انفسهم ولو کان بهم خصاصه. و بطعمون علی حبه مسکینا و یتیمان و اسیرا. این ارتباط خیلی بهتر از تامین اجتماعی که به زور مالیات می‌گیرند و آنرا بین فقرا تقسیم میکنند. در این رابطه رشدی ایجاد نمی‌شود. بر خلاف رابطه بین مومنین که هم دهنده و هم گیرنده رشد می‌کنند. این فقط در ارتباط مالی هم نیست. برای مثال برای اینکه فرزندان ذیل عاطفه پدر و مادر تربیت شوند بچه‌ها را در مهد کودک می‌گذارند و رابطه محبت آمیز بین پدر و مادر تبدیل بشود به رابطه خشک حقوقی که فردی پول بگیرد و از فرزندان مراقبت کند.

تعبیر دیگری قرآن دارد که در سوره فجر وقتی داستان فراعنه را می‌گوید که چرا طغیان کردند قوم فرعون و عاد و ثمود؟ ریشه این را قرآن توضیح میدهد. فاما الانسان اذا مابنتلاه و قدر علیه رزقه.... انسان دچار یک اشتباه محاسباتی میشود و این اشتباه محاسباتی سبب طغیان می‌شود. بعضی‌ها فکر میکنند امکانات مادی موجب کرامت است.

آدمی که فکر میکند ثروت و قدرت کرامت است سبب می‌شود که اینها را برای خود جمع کند و حتی حق بقیه را هم برای خودش بگیرد. در حالی که کرامت یعنی امکاناتی که خدا به شما می‌دهد را در راه خدا خرج کنی. حواله‌های خدا را اجابت کنی. دستهایی که به سمت شما دراز می‌شود را کریمانه پر کنی. کسی که امکانات را از خدا می‌گیرد و در راه خدا خرج می‌کند این جور آدمی کریم می‌شود. لذا امکانات برای آنها سبب طغیان نمی‌شود.

حدیثی داریم که من رزقه الله حب الائمة من اهل بیتی فقد اصاب خیر الدنیا و الاخره و لا یشکونه احد انه فی الجنة. اگر کسی به محبت امام رسید شک نکنید که وسط بهشت است. و فرمود این مقام ۱۰ خاصیت در دنیا دارد و ۱۰ خاصیت در آخرت. اولین خاصیت دنیا زهد است. زهد را امیر المومنین در توحید صدوق تعریف کردند. فقد خرجت الافراح و الحزان من قلبه چگونه انسان

می تواند فارغ شود؟ باید سینه ی بزرگی بین این دو دست باشد. انسان از این دست بگیرد و با آن دست بدهد و نه وقتی می گیرد خوشحال می شود و نه وقتی می دهد ناراحت می شود. فقط خوشحال است که این وسط بندگی کرده است. عده ای دنیا را اینگونه می بینند که درست از خدا بگیرد و درست در راه خدا خرج کند. لذا وقتی آبروی خودش را هم در راه خدا می دهد آنچنان کریمانه می دهد که طرف هیچ احساس بدهکاری نمی کند. مثلا هیچ وقت فرزندان نسبت به پدر و مادر احساس بدهکاری نمی کنند. انفاق کردن مهم است و از آن مهمتر ادب انفاق است.

آخرین اثر محبت اهل بیت هم در دنیا سخا است. آدم بخیل از جمع امکانات لذت می برد و آدم جواد از اینکه دستش باز است و از خدا می گیرد و به دیگران می دهد خوشحال است. وقتی انسان امکانات را از خدا می گیرد و به خدا می دهد، انسان خودش در این داد و ستد با خدا رشد می کند نه اینکه فقط امکاناتش رشد کند. در این داد و ستد در راه خداست که همه رشد می کنیم. یکی آبرو دارد و باید در راه خدا برای مومن خرج کند و دیگری که مال دارد باید مالش را در راه این یکی خرج کند. در این داد و ستد درنگ هم نباید کرد. هرچه زودتر انسان باید امکانات را بگیرد و خرج کند. هرچه نگه دارد ضرر کرده است. فرمود ما عندکم ینفد و ما عند الله باق.

مناسک داد و ستد با خدا

آن وقت این داد و ستد مناسکی هم دارد. لا تبطلو صدقاتکم بالمن و الذی. اگر بناست این کار را بکنی قول معروف و صدقه خیر من صدقه یتبعها الاذی. اگر برای خدا کار می کنی باید کریمانه کار کنی. خدا کار خوب را می پذیرد. بعضی ها کار خوب می کنند ولی این کار را خوب نمی کنند. فرمود اگر می خواهید کار خیری برای کسی کنید چند ویژگی را رعایت کنید. اول اینکه عجله کنید و به تاخیر نیندازید. دوم اینکه منت نگذارید و سوم اینکه خودتان کار خودتان را مهم ندانید و الا طلبکار میشوید.

مومنین رابطه شان فقط با امام است و مومنین را هم عائله امام می بینند. حدیثی از نبی اکرم در شان نزول آیه من جاء بالحسنه فله خیر منها. حضرت دعا کردند که خدایا اگر می شود ثواب مومنین را اضافه کنی. این آیه آمد که من جاء بالحسنه فله عشر امثالها باز حضرت تقاضا کردند که خدایا باز هم بیشتر. آیه آمد که من ذالذی یقرض الله قرضا حسنا فیضاعفه اضعافا کثیره. فقد خدا یک شرطی گذاشت. اگر مومنین بتوانند با خدا داد و ستد کنند و نیکو هم این کار را انجام دهند من بی

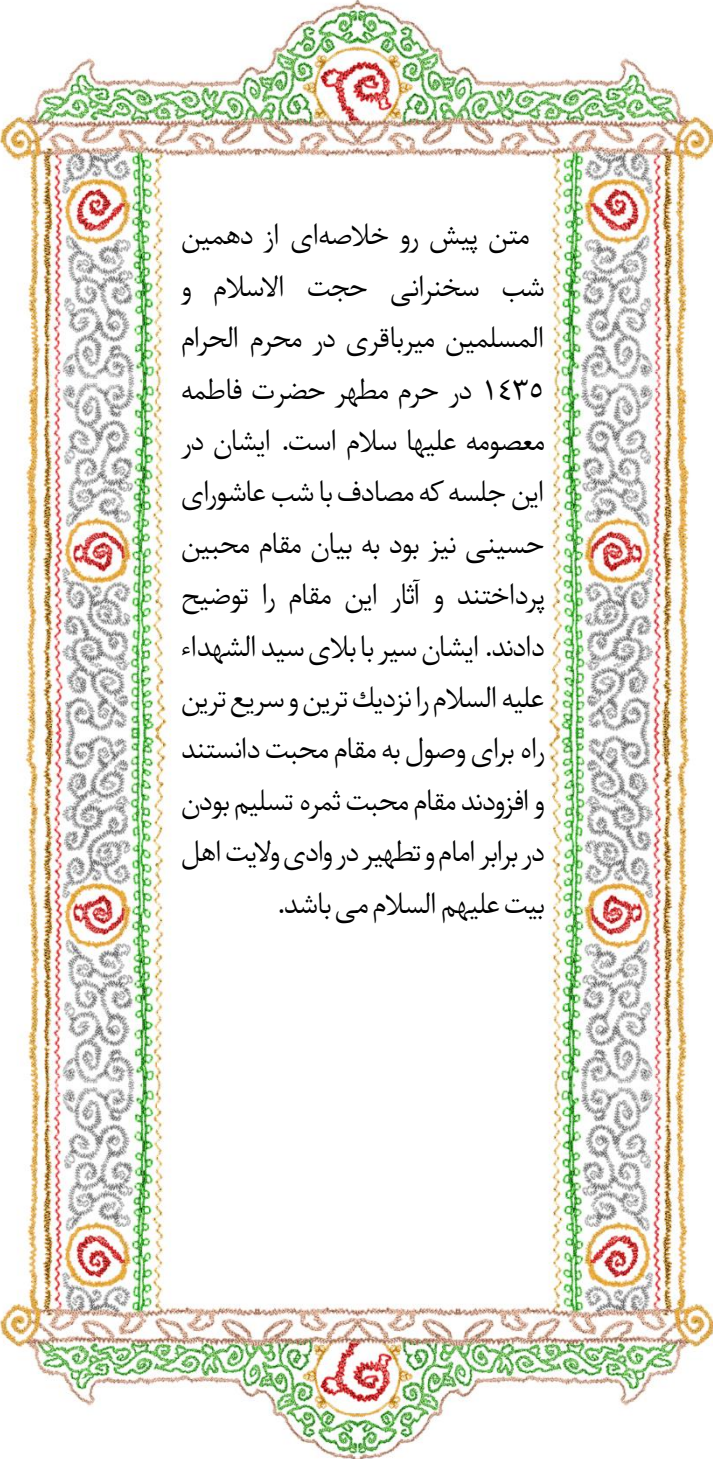
حساب و کتاب پاداش می‌دهم. معنای ظاهری آیه و قرض حسن که مشخص است ولی معنای باطنی آن را در روایات تعریف کرده‌اند به اینکه انسان امکانات را در راه امامش خرج کند. اما حواستان باشد فکر نکنید امام محتاج است. اگر فکر کردید امام محتاج است مشرک می‌شوید. قرض حسن یعنی اینکه انسان امکاناتش را در راه امام خرج کند و در این خرج کردن هم خودش را بدهکار امام بداند و خوشحال باشد از اینکه توفیق پیدا کرده است امکاناتش را در راه امام خرج کند.

خودش را بدهکار امام بداند. حتی اگر جانش را هم در راه امام بدهد امام را نیازمند جان خودش نداند بلکه خودش را نیازمند این ببیند که جانش را در راه امامش بدهد. اصحاب عاشورایی اباعبدالله اینگونه بودند. وقتی حضرت فرمود بروید من به شما احتیاجی ندارم آنها گفتند ما به شما محتاجیم. انسان همه امکاناتی که دارد مال و جان و آبرو و قدرت را خرج مومنین کند. مومنین را عائله امام بداند و امکاناتش را خرج عائله امامش کند. انسان اگر طرف حسابش مومن شد، وقتی مال و آبرو را خرج مومنی می‌کند وی را عائله و حواله امام میبیند، هم امکانات را برای او خرج می‌کند و هم دست او را می‌بوسد. مال و آبرو و وقت و عمرش را صرف می‌کند و در این صرف کردن هم خودش را بدهکار آن مومن می‌داند و می‌گوید او حواله امام است. این رابطه رابطه‌ی جامعه مومنین است. در جایی که رابطه بر اساس محبت است احساس امنیت هم هست. انسان می‌داند که مومنین در حق او خیانت نمی‌کنند.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ



سیر با بلاى سيدالشهداء راه
نزدیک وصول به مقام محبت



متن پیش رو خلاصه‌ای از دهمین شب سخنرانی حجت الاسلام و المسلمین میرباقری در محرم الحرام ۱۴۳۵ در حرم مطهر حضرت فاطمه معصومه علیها سلام است. ایشان در این جلسه که مصادف با شب عاشورای حسینی نیز بود به بیان مقام محبین پرداختند و آثار این مقام را توضیح دادند. ایشان سیر با بلای سید الشهداء علیه السلام را نزدیک ترین و سریع ترین راه برای وصول به مقام محبت دانستند و افزودند مقام محبت ثمره تسلیم بودن در برابر امام و تطهیر در وادی ولایت اهل بیت علیهم السلام می باشد.



چنانکه با تکرار رمضان، درهایی از قرآن باز شده از زاق قرآنی فروفرستاده می شود. هر سال با تکرار محرم نیز، نسیمی از عاشورای سیدالشهدا در عالم می وزد که با آن بلا تجدید شده و سلوک با بلای حسین علیه السلام برای مومنین هموار می شود. و رزقهای خاص حسینی مانند بکاء و اشک و زیارت تقسیم می گردد.

محبت، رزق نهائی

در سیر معنوی، بالاترین درجه، محبت خداست و اگر مقام رضا را بالاترین درجه دانسته اند بدین جهت است که از لوازم محبت است. زیرا محبت اخلاص و شکر و صبر نسبت به تقدیرات خداوند متعال به همراه دارد، چنانکه امام باقر علیه السلام در جواب جابر که به حضرت عرض کرد من فقر را بر غنی و بیماری را بر صحت ترجیح می دهم، فرمودند لکن ما آنچه خداوند متعال بر ایمان مقدر کرده دوست داریم و به آن راضی هستیم و این همان مقام اخلاص در محبت است که رضایت به تدبیر خداست و از مقدرات خداوند متعال لذت می برد، و به همین جهت در روز عاشورا هر مقدار که بلا سنگین تر می شد، سیدالشهداء بشاشتر و چهره شان افروخته تر می گردید.

درجه محبت، مقامیست که خداوند متعال گاهی با ترغیب «وَالَّذِينَ آمَنُوا أَشَدُّ حُبًّا لِلَّهِ» (بقره/۱۶۵) (اهل ایمان محبتشان به خدا از همه بیشتر است) و گاهی با تهدید «قُلْ إِنْ كَانَ آبَاؤُكُمْ وَأَبْنَاؤُكُمْ وَإِخْوَانُكُمْ وَأَزْوَاجُكُمْ وَعَشِيرَتُكُمْ وَأَمْوَالٌ اقْتَرَفْتُمُوهَا وَتِجَارَةٌ تَخْشَوْنَ كَسَادَهَا وَمَسَاكِنُ تَرْضَوْنَهَا أَحَبَّ إِلَيْكُمْ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَجِهَادٍ فِي سَبِيلِهِ فَتَرَبَّصُوا حَتَّى يَأْتِيَ اللَّهُ بِأَمْرِهِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ» (بقره/۲۴) تمام مومنین را به آن فراخوانده است، لذا مومن نباید نسبت به مقام محبت بی تفاوت باشد.

رسیدن به مقام محبت، راه‌های متعددی دارد، گاهی با عبادات و ریاضتهای طولانیست، و گاهی نیز با حرکت و سیر با بلاست، که باب الحسین هم اوسع است و هم اسرع، زیرا با بلای سیدالشهداء علیه السلام، درهای محبت الهی به روی همه عالم حتی انبیاء و اولیاء گشوده شده است، و این راهی بود که یاران سیدالشهداء طی کردند، زیرا یک روی عبادت و بلای آن حضرت، جذبه‌های محبت خداوند متعال بود، و لذا همراهان سیدالشهداء، غرق در محبت خداوند متعال بودند، و رزق مهم ما نیز از عاشورا همین محبت است، که آخرین مرحله و بالاترین درجه، از مراحل سه گانه تسلیم و تطهیر و تنویر است؛ تنها کار متوقع از ما، تسلیم شدن در برابر اهل بیت است، و آنگاه انسان در دستگاه اهل بیت تطهیر شده و آلودگی‌ها و قید و بند شیطان از او باز می‌شود، و بعد از تطهیر آماده دریافت انوار ولایت و غرق شدن در محبت خدا خواهد بود چنانکه روایت مشهور ابو خالد کابلی به این مراحل اشاره دارد.

آثار محبت اهل بیت

محبت اهل بیت، آثار عظیمی دارد که در روایتی که مرحوم صدوق در خصال از نبی اکرم صلی الله علیه و آله نقل کرده، به بیست اثر آن اشاره شده است که ده اثرش مربوط به دنیاست، و حضرت تاکید فرموده اند که انسان محب به تمام خیر دنیا و آخرت دست می‌یابد و هیچ خیری از او فوت نمی‌شود، و شکی نیست که اهل بهشت است^۱

اولین اثر زهد است؛ امیرالمومنین مردم را در قبال دنیا به سه دسته تقسیم کرده اند، راغب که به هر قیمتی به دنبال دنیاست ولو به حرام، و صابر که گرچه دلش میخواهد اما خود را نگاه می‌دارد، و زاهد که هرگز میلی به دنیا ندارد و در راحتی کامل است^۲، و همچنین امام صادق فرمودند تا قلوب

۱. « قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص مَنْ رَزَقَهُ اللَّهُ حُبَّ الْأَيْمَةِ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي فَقَدْ أَصَابَ خَيْرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ فَلَا يَشْكُرُ أَحَدٌ أَنَّهُ فِي الْجَنَّةِ فَإِنَّ فِي حُبِّ أَهْلِ بَيْتِي عَشْرُونَ [عَشْرِينَ] حَصْلَةً عَشْرٌ مِنْهَا فِي الدُّنْيَا وَعَشْرٌ مِنْهَا فِي الْآخِرَةِ أَمَّا الَّتِي فِي الدُّنْيَا فَالزُّهْدُ وَالْحِرْصُ عَلَى الْعَمَلِ وَالْوَرَعُ فِي الدِّينِ وَالرَّغْبَةُ فِي الْعِبَادَةِ وَالتَّوْبَةُ قَبْلَ الْمَوْتِ وَ النَّشَاطُ فِي قِيَامِ اللَّيْلِ وَ الْبُاسُ مِمَّا فِي أَيْدِي النَّاسِ وَ الْحِفْظُ لِأَمْرِ اللَّهِ وَ نَهْيِهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ النَّاسِعَةُ بَعْضُ الدُّنْيَا وَ الْعَاشِرَةُ السَّخَاءُ... »، خصال، ج ۲، ص ۵۱۵

۲. « وَ اعْلَمْ أَنَّ النَّاسَ ثَلَاثَةٌ زَاهِدٌ وَ صَابِرٌ وَ رَاغِبٌ فَأَمَّا الزَّاهِدُ فَقَدْ خَرَجَتْ الْأَحْزَانُ وَ الْأَفْرَاحُ مِنْ قَلْبِهِ فَلَا يَفْرَحُ بِشَيْءٍ مِنَ الدُّنْيَا وَ لَا يَأْسَى عَلَى شَيْءٍ مِنْهَا فَإِنَّهُ فَهُوَ مُسْتَرِيحٌ وَ أَمَّا الصَّابِرُ فَإِنَّهُ يَتَمَنَّاها بِقَلْبِهِ فَإِذَا نَالَ مِنْهَا

شما زاهد در دنیا نشده باشد چشیدن طعم ایمان بر شما حرام است، لذا زهد درجه ای بالاست که به آسانی به دست نمی آید، لکن مطابق این حدیث محبت اهل بیت عصمت، انسان را زاهد می نماید. انسان محب، اعمال نیک خود را ناچیز شمرده و حرص بر عمل دارد، و متزین به ورع بوده و رغبت فراوانی به عبادت خداوند متعال دارد، و قبل از مرگ موفق به توبه خواهد شد؛ توبه مقام بلندبست که به آسانی به دست نمی آید، زیرا توبه لفظ نیست بلکه جمع کردن قوای منتشر شده در دنیا و بردن آن به سمت خداست و تنها پس از خروج محبت دنیا به طور کامل از قلب انسان، محقق می شود، چنانکه در دعای ابوحمزه ثمالی به این مطلب اشاره شده است^۱

انسان محب، نه تنها اهل قیام شب است، بلکه در تهجد شبانه با نشاط است، « تَتَجَافَى جُنُوبَهُمْ عَنِ الْمَضَاجِعِ » (سجده/۱۶)، و نیز چشم به اموال دیگران نمی دوزد، زیرا طرف معامله اش خداست لذا هرگز حسد در آنها راه ندارد؛ همچنین حافظ حدود الهیست و نسبت به دنیا بغض دارد؛ که البته منظور از دنیا، جهان طبیعت نیست، بلکه چنانکه حضرت فرمودند منظور از آخرت ولایت اهل بیت عصمت و منظور از دنیا ولایت دشمنان آنهاست^۲، فلذا اگر کسی اهل ولایت اهل بیت باشد، مشغول به هر کاری از امور زندگی هم که باشد در حقیقت در بهشت است، و اگر کسی از ولایت ائمه خارج شود تحت ولایت ائمه جور قرار می گیرد، و در حقیقت در جهنم قرار دارد «وَمَا هَذِهِ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَهْوٌ وَ لَعِبٌ وَ إِنَّ الدَّارَ الْآخِرَةَ لَهِيَ الْحَيَوَانُ» (عنکبوت/۶۴)، چنانکه وقتی ابوخالد کابلی نزد امام باقر غذای بسیار لذیذی تناول کرد، حضرت به او فرمودند آن نعمتی که خداوند متعال روز قیامت بر اساس آیه «ثُمَّ لَتُسْأَلُنَّ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ» (نکاتر/۸) سوال میکند، این خوردنی ها نیست، بلکه مراد ولایت ما اهل بیت است^۳

الْجَمِ نَفْسُهُ عَنَّا لِسُوءِ عَاقِبَتِهَا وَ شَتَانِهَا لَوْ أَطْلَعْتَ عَلَى قَلْبِهِ عَجِبْتَ مِنْ عَفْوِهِ وَ تَوَاضُعِهِ وَ حَزْمِهِ وَ أَمَّا الرَّاغِبُ فَلَا يَبَالِي مِنْ أَيْنَ جَاءَتْهُ الدُّنْيَا مِنْ جِلِّهَا أَوْ مِنْ حَرَامِهَا»، کافی، ج ۲، ص ۴۵۶

۱. «سَيِّدِي أَخْرَجَ حُبَّ الدُّنْيَا مِنْ قَلْبِي وَ اجْمَعْ بَيْنِي وَ بَيْنَ الْمُصْطَفَى وَ آلِهِ خَيْرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ وَ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ وَ انْقُلْنِي إِلَى دَرَجَةِ التَّوْبَةِ إِلَيْكَ»، مصباح المتعجب، ج ۲، ص ۵۹۱

۲. «قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَوْلُهُ جَلٌّ وَ عَزٌّ - بَلْ تُؤَثِّرُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا قَالَ وَ لَا يَتَّبِعُهُمْ وَ الْآخِرَةُ خَيْرٌ وَ أَبْقَى قَالَ وَ لَا يَأْتِي أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ»، کافی، ج ۱، ص ۴۱۸

۳. « قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ ع لَا إِنَّمَا تُسْأَلُونَ عَمَّا أَتَيْتُمْ عَلَيْهِ مِنَ الْحَقِّ»، کافی، ج ۶، ص ۲۸۰

دهمین اثر محبت اهل بیت در دنیا که از همه مهمتر است، سخاست که به معنی گذشتن از همه چیز در راه محبوب است، و اینکه انسان همه جا به راحتی اموالش را صرف میکند و تنها در راه خدا دستش می‌لرزد نشانه نرسیدن به مقام محبت است، لذا حضرت در جواب کسی که با استدلال به یاران فراوان امام، آنحضرت را به قیام تشویق می‌کرد، قیام را منوط به رسیدن مومنین به مقام سخا دانستند که بدون اطلاع از اموال یکدیگر برداشته و مصرف نمایند، لذا محب اهل بیت به راحتی جانش را در راه محبوبش فدا میکند و مانند اصحاب سیدالشهداء، هیچ ابائی از این کار ندارد، و این نوع فداکاری با حب الجنه به دست نمی‌آید و تنها با محبت اهل بیت دست یافتنی است، لذا امام حسین به سعید بن عبدالله که هنگام اقامه نماز توسط آنحضرت، حاضر شد سیزده چوبه تیر مسموم را به جان بخرد فرمودند: تو در بهشت در مقابل من هستی^۱، که این رزق به همه ما که در عزای سیدالشهداء حاضریم، داده شده لکن باید آن را با ناب و خالص کرده و به درجات بالای آن رسانید.

۱. «قَالَ نَعَمْ أَنْتَ أَمَامِي فِي الْجَنَّةِ»، بحار، ج ۴۵، ص ۲۲